

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**اعمال و سخنانی که به خواست الله تعالی  
ما را داخل بهشت می کند.**

مؤلف: ریاض عبدالمحسن المحیسن

مترجم: پدram اندایش

---

نام کتاب: اعمال و سخنانی که به خواست الله تعالی ما را داخل بهشت می کند.

---

مؤلف: ریاض عبدالمحسن المحسن

---

مترجم: پدرام اندایش

---

ناشر: بوکان - انتشارات

---

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

---

چاپ: بوکان - رامان

---

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

---

قیمت: ریال

---

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

## اعمال و سخنانی که به خواست الله تعالی ما را داخل بهشت می‌کند

### مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله، به یاد الله و برای الله. شکر و ستایش برای الله  
پروردگار جهانیان است، او را حمد گفته و از او کمک  
می‌گیریم و بر او توکل می‌کنیم و از او طلب آمرزش و هدایت  
می‌نماییم، کسی که الله تعالی او را هدایت کند، گمراه کننده‌ای  
ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. گواهی  
می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود  
ندارد و گواهی می‌دهم که محمد - شمشیر در جهاد و دلسوز  
در دعوت - بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد. اما بعد:

این کتاب، احادیث جمع آوری شده‌ای است که عمل به هر  
کدام از آنها باعث داخل شدن به بهشت می‌شود، البته باید سه  
نکته را در نظر داشت: اول این که در صورتی این اعمال و

سخنان باعث داخل شدن به بهشت می شود که از طرف الله تعالی پذیرفته شود، دوم این که شخص به همراه این اعمال، عملی را انجام ندهد که باعث باطل شدن اسلامش شود، مانند: شرک یا رباخواری یا کشتن شخصی به ناحق یا ... . سوم این که نباید گفت: «چون ما این اعمال را انجام می دهیم، پس جای ما بهشت است و در نتیجه هر چقدر بخواهیم می توانیم گناه کنیم»، این عملکرد هرگز صحیح نمی باشد، زیرا اگر امروز به عمد مرتکب گناه شویم، شاید فردا مرتکب کفر شویم و زندگی ما با کفر ورزیدن به الله تعالی پایان یابد که نتیجه ی آن چیزی جز آتش جهنم نخواهد بود.

## مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است، کسی که ما را مسلمان قرار داد و به راه مستقیمی که کتاب الله تعالی و سنت پیامبر ما محمد ﷺ آن را روشن نموده است، هدایت فرمود.

شکر و ستایش برای الله است، کسی که ما را بهترین امت برای مردم قرار داد و پیامبر این امت، محمد ﷺ را برترین رسولان و پیامبران قرار داد علیه أفضل الصلاة و أتم التسليم إلى يوم الدين.

اما بعد:

این مجموعه‌ای از احادیث صحیح است که کسی که آنها را انجام دهد و نیتش خالص برای الله سبحانه و تعالی باشد، سبب می‌شود تا بعد از خواست الله جل جلاله داخل بهشت شود و این سخنان بر دهان برگزیده‌ی مخلوقات، پیامبر ما محمد ﷺ جاری شده است.

این اعمال و سخنان به شرح ذیل می‌باشند:

اعمال و سخنانی که به خواست الله تعالی ما را داخل بهشت

می‌کنند:

\* تلاوت قرآن و عمل به آن:

احادیثی که درباره‌ی فضیلت تلاوت قرآن و عمل به آن

هستند:

از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «یقال لصاحب القرآن: اقرأ وارتنق ورتل كما كنت ترتل فی الدنيا، فإن منزلتك عند آخر آية تقرأ بها» (در روز قیامت) به همنشین قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالا برو و آن را با ترتیل بخوان همان گونه که در دنیا آن را با ترتیل می‌خواندی و منزل تو [در بهشت] به [اندازه‌ی تعداد آیاتی است که تا] آخرین آیه بخوانی) [ترمذی<sup>(۱)</sup> و این لفظ

---

(۱) جامع الترمذی: (۱۶۳/۵) (ح ۲۹۱۴)، وقال الألبانی حسن صحیح.

اوست و گفته است: حسن صحیح، أبو داود<sup>(۱)</sup> و أحمد<sup>(۲)</sup>].

مبارک فوری گفته است: «یقال» (گفته می‌شود) به هنگام داخل شدن به بهشت است، «لصاحب القرآن» (به همنشین قرآن) به معنای کسی است که آن را تلاوت کرده است و به آن عمل نموده است، «وارق» (و بالا برو!) به معنای آن است که درجات بهشت خود را بالا ببرد<sup>(۳)</sup>.

عایشه رضی الله عنها گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «الذی یقرأ القرآن وهو ماهر به مع السفرة الكرام البررة، والذی یقرأ القرآن ویتنعتع فیهِ وهو علیه شاق له أجران» (کسی که قرآن می‌خواند و او در آن ماهر است، او همراه سفره کرام خواهد بود و کسی که قرآن می‌خواند و در آن توقف می‌کند و آن برایش سخت است، دو اجر می‌برد) [متفق

---

(۱) سنن أبی داود: (۱۵۳/۲) ح (۱۴۶۴).

(۲) مسند أحمد: (۱۹۲/۲).

(۳) تحفة الأحوذی: (۲۳۲/۸).

علیه<sup>(۱)</sup>، و این لفظ مسلم است.]

لفظ بخاری(بخارایی) به مانند آن است و در بجای «ماهر به» آمده است: «وهو حافظ له» (و او حافظ آن است). ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یجئ صاحب القرآن يوم القيامة، فيقول: يا رب حلّه، فيلبس تاج الكرامة، ثم يقول: يا رب زده، فيلبس حلة الكرامة، ثم يقول يا رب ارض عنه فيقال اقرأ وارق، ويزاد بكل آية حسنة» (همنشین قرآن روز قیامت می آید و می گوید: ای پروردگار! آن را شیرین کن! و تاج بزرگواری بر وی پوشانده می شود، سپس می گوید: ای پروردگار بر آن بیافزا! در نتیجه ی آن حلیه ی بزرگواری پوشانده می شود، سپس می گوید: ای پروردگار! از آن راضی شو! گفته می شود: بخوان و بالا برو! و

---

(۱) صحیح البخاری: (۲۹۱/۸) (ح ۴۹۳۷) صحیح مسلم: (۵۵۰/۱)



به ازای هر آیه حسنه‌ای [برای تو] افزوده می‌شود. [ترمذی و گفته است: هذا حدیث حسن صحیح<sup>(۱)</sup>].

مبارک فوری گفته است: به این معناست که به همنشین قرآن گفته می‌شود: بخوان و درجات خودت را در بهشت بالا ببر<sup>(۲)</sup>.

جابر رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «القرآن مشفع، وما حل مصدق، من جعله أمامه قاده إلى الجنة، ومن جعله خلف ظهره ساقه إلى النار» (قرآن شفاعتت قبول می‌شود و چیزی را که حلال کرده است، تصدیق می‌شود، کسی که آن را امام خود قرار دهد او را به بهشت رهنمود می‌کند و کسی که آن را پشت گوش بیاندازد او را به آتش جهنم روانه می‌کند)

---

(۱) جامع الترمذی: (۱۶۳/۵) (ح ۲۹۱۵) تحفة الأحوذی: (۲۲۷/۱۰).

(۲۲۸) وحسنه الألبانی فی صحیح الترمذی: (۸/۳).

(۲) تحفة الأحوذی: (۲۲۸/۱۰).

[ابن حبان در صحیحش<sup>(۱)</sup>، آلبانی گفته است: صحیح<sup>(۲)</sup>].

ابن اثیر گفته است: به معنای دفاع شده و مورد بحث قرار گرفته و تصدیق شده است، یعنی کسی که از آن تبعیت کند و به آن عمل نماید، آن برای او شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش قبول می‌شود، ولی اگر شخص عمل نمودن به آن را ترک کند، دچار زشتی و قباحت می‌شود<sup>(۳)</sup>.

\* فضیلت‌های بعضی آیات و سوره‌ها:

فضیلت‌هایی برای بعضی از آیات یا سوره‌ها وجود دارد که قرائت آنها سبب داخل شدن به بهشت می‌شود یا آن که کسی که آن را بخواند، قصری در بهشت برای وی بنا می‌شود.  
آیه الكرسي:

ابو امامه رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من قرأ

---

(۱) الإحسان: (۱/۱۶۷ - ح ۱۲۴).

(۲) صحیح الجامع: (ح ۴۴۳) و لفظه فيه «شافع مشفع».

(۳) النهاية، مادة «محل».

آیه الكرسي في دبر كل صلاة مكتوبة لم يمنعه من دخول الجنة إلا أن يموت» (کسی که آیه الكرسي را بعد از هر نماز واجب بخواند، چیزی مانع ورودش به بهشت نمی‌گردد، مگر مرگ) [به این معنا که دقیقاً بعد از مرگش وارد بهشت می‌شود]. [نسائی در عمل اليوم والليلة<sup>(۱)</sup>، و ابن حبان و ابن عبد الهادی و ابن حجر و دیگران آن را صحیح دانسته‌اند<sup>(۲)</sup>].

سوره الملک:

انس رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «سورة من القرآن، ما هي إلا ثلاثون آية، خاصمت عن صاحبها حتى أدخلته الجنة، وهي تبارك» (سوره‌ای از قرآن است و فقط

---

(۱) عمل اليوم والليلة ص (۱۸۲) (ح ۱۰۰).

(۲) المحرر لابن عبد الهادی: (۲۰۹/۱). النکت علی کتاب ابن الصلاح لابن حجر ص (۸۴۹)، وصحح المنذرى أحد أسانیده، ونقل عن شیخه أبی الحسن أنه قال: هو علی شرط البخاری، الترغیب والترهیب: (۲۶۱/۲).

سی آیه دارد و از همنشین خود دفاع می‌کند تا او را وارد بهشت کند و آن [سوره، سوره‌ی] «تبارک» (الملک) است. [طبرانی در الأوسط، و ضیاء مقدسی و آلبانی آن را حسن دانسته است<sup>(۱)</sup>].

ترمذی از ابوهریره رضی الله عنه آن را با این لفظ آورده است: «سورة من القرآن ثلاثون آية شفعت لرجل حتى غفر له، وهي سورة تبارك الذي بيده الملك» (سوره‌ای از قرآن است که دارای سی آیه است و برای شخصی [که آن را هر شب بخواند] شفاعت می‌کند تا آن که او آمرزیده شود و آن سوره‌ی «تبارک الذي بيده الملك» است)، گفته است: این حدیثی حسن است<sup>(۲)</sup>.

---

(۱) صحیح الجامع: (ح ۳۶۴۴).

(۲) جامع الترمذی: (۱۵۱/۵) (ح ۲۸۹۱).

### سوره‌ی «قل هو الله أحد»:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: رسول الله صلی الله علیه و آله شنید که مردی قرائت می‌کرد: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (بگو او الله [در ذات و عبودیت و صفات] یکی است) و فرمود: «وجبت» (واجب شد) گفتم: چه چیزی واجب شد؟ فرمود: «الجنة» (بهشت) [مالک<sup>(۱)</sup>، ترمذی<sup>(۲)</sup> و گفته است: حدیثی حسن صحیح غریب است و آلبانی آن را صحیح دانسته است<sup>(۳)</sup>].

انس رضی الله عنه درباره‌ی مردی که برای انصار رضی الله عنهم در مسجد قبا امامت می‌کرد و در هر رکعت قرائت می‌نمود: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله از او سوال نمود و فرمود: «ما يحملک أن تقرأ هذه السورة فی کل رکعة؟» (چه چیز تو را بر آن داشته است که در هر رکعت این سوره را می‌خوانی؟)

---

(۱) الموطأ: (۲۰۸/۱) (ح ۱۸).

(۲) جامع الترمذی: (۵/۱۵۴ - ح ۸۹۷) تحفة الأحوذی: (۸/۲۰۹)..

(۳) صحیح سنن الترمذی: (۳/۷).

گفت: ای رسول الله! آن را دوست می‌دارم، فرمود: «إِنْ حَبَهَا  
أَدْخَلَكَ الْجَنَّةَ» (دوست داشتن آن تو را داخل بهشت می‌کند).  
[بخاری (بخاری)،<sup>(۱)</sup> تعلیق شده و مجزوم شده و ترمذی گفته  
است: حدیثی حسن غریب صحیح است<sup>(۲)</sup>، آلبانی گفته است:  
حسن صحیح می‌باشد<sup>(۳)</sup>].

معاذ بن انس رضی الله عنهما گفته است که پیامبر ﷺ  
فرمود: «مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حَتَّى يَخْتَمَهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ بَنَى  
اللَّهُ لَهُ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ» (کسی که [سوره‌ی] «قل هو الله احد»  
را ده بار بخواند و آن را تمام کند، الله [تعالی] برای او قصری  
در بهشت بنا می‌نهد). [أحمد<sup>(۴)</sup> و آلبانی آن را حسن دانسته

---

(۱) صحیح البخاری: (۲۵۵/۲) (ح ۷۷۴).

(۲) جامع الترمذی: (۱۵۶/۵) (ح ۲۹۰۱).

(۳) صحیح سنن الترمذی: (۸/۳).

(۴) مسند أحمد: (۴۳۷/۳).

است<sup>(۱)</sup>].

✽ یاد و ذکر الله تعالی:

در فضیلت آن و آن که این امر از سبب‌های داخل شدن به بهشت است، احادیث بسیاری آمده است.

آنچه در فضیلت تسبیح (سبحان الله گفتن)، تحمید (الحمد لله گفتن)، تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و تکبیر (الله اکبر گفتن) آمده است:

این مسعود رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَقِيت ليلة اسرى بى إبراهيم، فقال: يا محمد، اقربى أمتك منى السلام، وأخبرهم أن الجنة طيبة التربة، عذبة الماء، وأنها قيعان، وأن غراسها، سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله والله أكبر» (شب اسراء ابراهيم عليه السلام) را دیدم و گفت: ای

---

(۱) فى السلسلة الصحيحة رقم (۵۸۹). و صححه فى صحيح الجامع:

محمد! سلام مرا به امت برسان! و به آنها خبر بده که بهشت، خاکش پاک است و آبش گواراست و دارای پستی بلندی نمی‌باشد و نهالهای آن سبحان الله، والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر می‌باشند) [ترمذی<sup>(۱)</sup>]، و گفته است: حدیثی حسن غریب است و آلبانی آن را حسن دانسته است<sup>(۲)</sup>].

جابر رضی الله عنه گفت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من قال سبحان الله العظيم، وبحمده غرست له نخلة في الجنة» (کسی که بگوید: «سبحان الله العظيم و بحمده» (الله بزرگ پاک و منزّه است و برای او شکر و ستایش است) نخلی در بهشت برای او کاشته می‌شود) [ترمذی<sup>(۳)</sup>]، و گفته است: حدیثی حسن صحیح است. ابن حبان آن را صحیح دانسته است<sup>(۴)</sup>، ابن

---

(۱) جامع الترمذی: (۶۴۷/۵) (ح ۳۴۶۲).

(۲) صحیح سنن الترمذی: (۱۶۰/۳).

(۳) جامع الترمذی: (۳۷۷/۵) (ح ۳۴۶۴، ۳۴۶۵).

(۴) موارد الظمان (ح ۲۳۳۵).



حجر آن را حسن دانسته است<sup>(۱)</sup> و آلبانی آن را صحیح دانسته است<sup>(۲)</sup>].

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که وقتی در حال کاشتن نهالی بود، رسول الله صلی الله علیه و آله از کنار وی گذشت و فرمود: «ما الذی تغرس؟» (چه چیزی می‌کاری؟) گفتم: برای خودن نهالی را می‌کارم، فرمود: «ألا أدلك علی غراس خیر لک من هذا؟» (آیا تو را به نهالهایی راهنمایی کنم که برای تو بهتر از این [نهال] باشند). گفتم: بله، ای رسول الله! فرمود: «قل سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر، یغرس لک بکل واحدة شجرة فی الجنة» (بگو: پاک و منزّه است الله و شکر و ستایش برای الله می‌باشد و هیچ پرستش شونده‌ی برحقى جز الله وجود ندارد و الله بزرگترین است، برای هر کدام از آنها که

---

(۱) نتائج الأفكار: (۲۴۳/۱) تحقیق الزمیل الشیخ عبد الله الدوسری، مطبوع علی الآلة الکاتبه.

(۲) صحیح سنن الترمذی: (۱۶۱/۳).

بگویی، درختی برای تو در بهشت کاشته می‌شود) [ابن ماجه<sup>(۱)</sup>، بوسیری اسناد آن را حسن دانسته است<sup>(۲)</sup>، منذری<sup>(۳)</sup> و آل‌بانی گفته است: سند آن صحیح است<sup>(۴)</sup>].

### \* فضیلت بعضی از اذکار:

احادیثی درباره‌ی بعضی از اذکار خاص آمده است که آنها را بیان می‌دارم:

أ- تسبیح، تکبیر و تحمید بعد از هر نماز واجب و هنگام خواب:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: فقیران نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ثروتمندان با اموالشان [در حالی که آن را صدقه می-

---

(۱) سنن ابن ماجه: (۱۲۵۱/۲) (ح ۳۸۰۷).

(۲) مصباح الزجاجة: (۱۳۲/۴).

(۳) الترغیب والترهیب: (۲۴۴/۲).

(۴) صحیح سنن ابن ماجه: (۳۲۰/۲).

دهند] به درجات بالا و نعمتهای دائمی دست پیدا کرده‌اند، همان گونه که ما نماز می‌خوانیم آنها نیز نماز می‌خوانند و همان گونه که ما روزه می‌گیریم آنها نیز روزه می‌گیرند و برای آنها مالهایی وجود دارد که با آن به حج و عمره می‌روند و با آن جهاد می‌کنند و توسط آنها صدقه می‌دهند، [برای رقابت با آنها چه کار کنیم؟] فرمود: «ألا أحدثکم بما إن أخذتم به أدرکت من سبقکم ولم یدرکم أحد بعدکم، وکنت خیر من أنتم بین ظهرانیهم إلا من عمل مثله؟ تسبحون وتحمدون وتکبرون خلف کلا صلاة ثلاثاً وثلاثین» (آیا برای شما چیزی را بیان کنم که اگر آن را انجام دهید به کسانی می‌رسید که از شما سبقت گرفته‌اند و بعد از شما کسی به شما نمی‌رسد و من از شما بین آنها بهتر می‌باشم، مگر کسی که به مانند آن را انجام دهد؟ بعد از هر نماز، سی و سه بار، تسبیح و تحمید و تکبیر بگویید)، بین خودمان دچار اختلاف شدیم، بعضی از ما گفتند: سی و سه بار تسبیح می‌گوییم و سی و سه بار تحمید

می‌گوییم و سی و چهار بار تکبیر است، به نزد وی برگشتیم و فرمود: «تقول: سبحان الله والحمد لله والله أكبر، حتی یکون منهن کلهن ثلاثاً وثلاثین» (سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر را به شکلی بگویند که هر کدام از آنها سی و سه بار شود) [متفق علیه<sup>(۱)</sup>].

«أهل الدثور»: کسانی هستند که مال بسیاری دارند<sup>(۲)</sup>.  
درباره‌ی سخنش: «الدرجات العلی» ابن حجر گفته است: احتمال دارد که منظور حسی باشد و آن درجات بهشت است، یا ممکن است معنوی باشد و آن بالا بودن منزلت نزد الله [تعالی] است<sup>(۳)</sup>.

---

(۱) صحیح البخاری، کتاب الأذان، باب الذکر بعد الصلاة: (۲/۳۲۵)

(ح ۸۷۴۳)، صحیح مسلم، کتاب المساجد، باب استحباب الذکر بعد الصلاة (۱/۴۱۶) (ح ۵۹۵).

(۲) انظر النهایة مادة دثر: (۲/۱۰۰).

(۳) فتح الباری: (۲/۳۲۷).

عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما گفته است که پیامبر ﷺ فرمود: «خلصتان، أو خلتان لا يحافظ عليهما عبد مسلم إلا دخل الجنة، هما يسير من يعمل بهما قليل، يسبح في دبر كل صلاة عشراً، ويحمد عشراً، ويكبر عشراً، فذلك خمسون ومائة باللسان، وألف وخمسمائة في الميزان ويكبر أربعاً وثلاثين إذا أخذ مضجعه، ويحمد ثلاثاً وثلاثين، ويسبح ثلاثاً وثلاثين، فذلك مائة باللسان، وألف في الميزان» (دو خصلت هستند که بنده‌ی مسلمان از آنها محافظت نمی‌کند، مگر آن که داخل بهشت می‌شود و آن برای کسی که به آنها عمل کند آسان است. بعد از هر نماز ده بار تسبیح بگوید و ده بار تحمید بگوید و ده بار تکبیر بگوید و آن صد و پنجاه بار با زبان و هزار پانصد بار در ترازوی [اعمال] است و سی و چهار بار وقتی در رختخواب بود، تکبیر بگوید و سی و سه بار تحمید بگوید و سی و سه بار تسبیح، آن صد بار با زبان و هزار بار در ترازوی [اعمال] است). دیدم که رسول الله ﷺ آنها

را با دستش می‌شمارد. گفتند: ای رسول الله! چگونه آنها آسان هستند و عمل به آن دو کم می‌باشد؟ فرمود: «یأتی أحدکم یعنی الشیطان فی منامه فینومه قبل أن یقوله، ویأتیة فی صلاته فیذکره حاجته قبل أن یقوله» (در هنگام خواب نزد شما می‌آید - یعنی شیطان - و قبل از آن که شخص آن را بگوید، او را خواب می‌کند و در نماز به سراغ شخص می‌آید و قبل از آن که آن را بگوید، او را به یاد نیازش می‌اندازد) [أحمد<sup>(۱)</sup>، أبوداود<sup>(۲)</sup>، ترمذی<sup>(۳)</sup>، نسائی<sup>(۴)</sup>، ابن حبان در صحیحش<sup>(۵)</sup> و ترمذی گفته است: حسن صحیح است و ابن

---

(۱) المسند: (۲/۲۰۵).

(۲) سنن أبی داود: (۳۰۹/۵) (ح ۵۰۶۵).

(۳) جامع الترمذی: (۴۴۵/۵) (ح ۳۴۱۰).

(۴) سنن النسائی: (۷۴/۳).

(۵) الإحسان: (۳۵۷/۳) (ح ۲۰۰۹).

حجر اسناد آن را صحیح دانسته است<sup>(۱)</sup>].

ب- ذکر بعد از وضو (تلفظ کردن شهادتین):

عقبه بن عامر رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ما منکم من أحد يتوضأ فيبلغ أو فيسبغ الوضوء، ثم يقول أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، وأن محمداً عبده ورسوله، إلا فتحت له أبواب الجنة الثمانية يدخل من أيها شاء» (کسی از شما نیست که وضویی بگیرد و آن را به انتها برساند یا کامل کند، سپس بگوید: گواهی می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود ندارد، یکتا و بی‌شریک است و محمد بنده‌ی او فرستاده‌ی او می‌باشد، مگر آن که هشت درب بهشت برای او باز می‌شود و از هر کدام بخواهد داخل می‌شود) [رواه مسلم<sup>(۲)</sup>].

---

(۱) نتائج الأفكار: (۲/۴۷۸) و مطبوع علی الآلة الكتابية بتحقیق.

(۲) صحیح مسلم: (۱/۲۰۹) (ح ۲۳۴).

ابوموسی رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ألا أدلك على كنز من كنوز الجنة؟» (آیا تو را به گنجی از گنجهای بهشت راهنمایی نکنم؟) گفتم: بله، ای رسول الله! فرمود: «قل: لا حول ولا قوة إلا بالله» (بگو: هیچ دگرگونی و قدرتی وجود ندارد، مگر از جانب الله) [متفق علیه<sup>(۱)</sup>].

ابوذر رضی الله عنه گفته است: عزیز من مرا به زیاد گفتن [این ذکر] سفارش فرمود: «لا حول ولا قوة إلا بالله، فإنها كنز من كنوز الجنة» (هیچ دگرگونی و قدرتی وجود ندارد مگر از جانب الله، آن گنجی از گنجهای بهشت است) [أحمد<sup>(۲)</sup>، ابن حبان در صحیحش<sup>(۳)</sup> و این لفظ اوست و آلبانی سند آن را صحیح

---

(۱) صحیح البخاری: (۱۸۷/۱۱) (ح ۶۳۸۴) و (۲۱۳/۱۱) (ح ۶۴۰۹)

و صحیح مسلم: (۲۰۷۶/۴) (ح ۲۷۰۴).

(۲) المسند: (۱۵۹/۵).

(۳) موارد الظمان: (ح ۲۰۴۱).



دانسته است<sup>(۱)</sup>].

✽ درخواست نمودن بهشت از الله تعالی:

انس رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من سأل الله الجنة ثلاث مرات. قالت الجنة: اللهم أدخله الجنة، ومن استجار من النار ثلاث مرات. قالت النار: اللهم أجره من النار» (کسی که سه بار بهشت را از الله [تعالی] درخواست کند، بهشت می‌گوید: یا الله! او را داخل بهشت کن! و کسی که سه بار [از الله تعالی] از آتش جهنم پناه بخواند، آتش جهنم می‌گوید: یا الله! او را از آتش جهنم حفظ کن!). [ترمذی<sup>(۲)</sup>، نسائی<sup>(۳)</sup>، ابن ماجه<sup>(۴)</sup>، حاکم<sup>(۵)</sup>، وصححه ووافقه الذهبی. ذهبی

---

(۱) السلسلة الصحيحة: (۲۱۶۶).

(۲) جامع الترمذی: (۶۰۳/۴) (ح ۲۵۷۲).

(۳) سنن النسائی: (۲۷۹/۸).

(۴) سنن ابن ماجه: (۱۴۳۵/۲).

(۵) المستدرک: (۵۳۴/۱)، (۴۳۵).

\* توبه:

الله تعالی می فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ [مریم: ۶۰] (مگر کسی که توبه نماید و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، آنها داخل بهشت می شوند و ذره ای به آنها ظلم نمی شود).

الله ﷻ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ [الطلاق: ۸] (ای کسانی که ایمان آورده اید! نزد الله [تعالی] توبه ی نصوحی به جای آورید، باشد که پروردگار شما، بدی های شما را از شما پاک کند و

---

(۱) سیر أعلام النبلاء: (۲۵۲/۸).

(۲) صحیح الجامع الصغیر: (ح ۶۲۷۵).

شما را داخل بهشتهایی نماید که از زیر آنها نهرها جاری است).

✽ سید الاستغفار:

شداد بن اوس رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سید الاستغفار آن یقول: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»، من قالها من النهار موقناً بها فمات من يومه قبل أن يمسي فهو من أهل الجنة، ومن قالها من الليل وهو موقن بها فمات من قبل أن يصبح فهو من أهل الجنة» (سرور استغفار این است که [شخص] بگوید: (یا الله! تو پروردگار من هستی، هیچ معبود و پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز تو وجود ندارد، تو مرا خلق نمودی و من بنده‌ی تو هستم و من تا آنجا که بتوانم بر عهد و پیمان تو می‌باشم، به تو پناه می‌برم از شر آنچه انجام دادم، به نعمت تو بر خودم نزد تو

اقرار می‌کنم و به گناهم نزد تو اقرار می‌کنم، مرا ببامرز! که هیچ کس گناهان را نمی‌آمزد، مگر تو) کسی که آن را در روز از روی یقین بگوید و در آن روز قبل از آن که شام کند، بمیرد، او از اهل بهشت است و کسی که آن را شب بگوید در حالی که به آن یقین داشته باشد و قبل از آن که صبح کند، بمیرد، او از اهل بهشت است) [بخاری (بخارایی)<sup>(۱)</sup>].

سخنش: «أبوء» به معنای آن است که اقرار می‌کنم و اعتراف می‌نمایم.

\* در طلب علم بودن برای کسب رضایت الله تعالی:

در صحیح مسلم<sup>(۲)</sup> از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من سلک طریقاً یلتمس فیہ علماً سهل الله له طریقاً إلی الجنة» (کسی که راهی را بیماید که برای کسب

---

(۱) صحیح البخاری: (۹۷/۱۱ - ۶۳۰۶)، (۱۱/۱۳۰ - ح ۶۳۲۳).

(۲) صحیح مسلم: (۲۰۷۴/۱) ح ۲۶۹۹.

علم باشد، الله [تعالی] راهی به سوی بهشت را برای او آسان می‌کند).

\* نمازهای واجب و مستحب:

أ- نمازهای پنجگانه:

از عباده بن صامت رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:  
«خمس صلوات کتبهن الله علی العباد، فمن جاء بهن لم یضیع منهن شیئاً استخفافاً بحقهم کان له عند الله عهد أن یدخله الجنة، ومن لم یأت بهن فلیس له عند الله عهد، إن شاء عذبه، وإن شاء أدخله الجنة» (پنج نماز هستند که الله [تعالی] آنان را بر بندگان واجب فرموده است، کسی که با آنها بیاید و آنها را ذره‌ای از روی اهمیت ندادن به حق آنها، ضایع نگرداند، عهدی نزد الله [متعال] دارد که او را وارد بهشت می‌کند و کسی که با آنها نیاید، عهدی برای او نزد الله صلی الله علیه و آله] وجود ندارد، اگر بخواهد عذابش می‌دهد و اگر بخواهد او را وارد بهشت می-

کند] مالک<sup>(۱)</sup>، أحمد<sup>(۲)</sup>، أبو داود<sup>(۳)</sup>، نسائی<sup>(۴)</sup>، ابن ماجه<sup>(۵)</sup>، ابن حبان<sup>(۶)</sup>، ابن عبد البر گفته است: ثابت صحیح<sup>(۷)</sup> و آلبانی سند آن را صحیح دانسته است<sup>(۸)</sup>.

ب- نماز صبح و نماز عصر:

ابوموسی<sup>رضی الله عنه</sup> گفته است که رسول الله<sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرمود: «من

---

(۱) الموطأ: (۱۲۳/۱) ح (۱۴).

(۲) مسند أحمد: (۳۱۵/۵).

(۳) سنن أبي داود: (۲۹۵/۱) ح (۴۲۵) و (۱۳۰/۲) ح (۱۴۲۰).

(۴) سنن النسائی: (۲۳۰/۱) ح (۴۶۱).

(۵) سنن ابن ماجه: (۴۴۹/۱) ح (۱۴۰۱).

(۶) الإحسان: (۱۱۵/۳) ح (۱۷۲۹).

(۷) نقله عنه ابن الملقن فی تحفة المحتاج: (۵۷۶/۱) و ابن حجر فی

التلخیص: (۱۴۷/۲).

(۸) صحیح الجامع: (۳۲۴۳).

صلی البردین دخل الجنة<sup>۱</sup> (کسی که دو نماز صبح و عصر را بخواند، داخل بهشت می شود) [متفق علیه<sup>(۲)</sup>].  
ابن حجر گفته است: «البردین» منظور دو نماز صبح و عصر است.

خطابی گفته است: آنها دو نماز خنک نامیده شده اند؛ زیرا در دو حالت خنکی روز، آن نمازها خوانده می شوند و آن در دو طرف روز است که هوا نیکو می شود و گرمایی وجود ندارد<sup>(۳)</sup>.

---

<sup>۱</sup> - بعضی از علماء درباره‌ی این حدیث گفته اند که آن منسوخ می باشد و مربوط به زمانی است که هنوز نمازهای پنجگانه واجب نشده بود. (مترجم)

(۲) صحیح البخاری: (۵۲/۲) (ح ۵۷۴) و صحیح مسلم: (۱/۴۴۰) (ح ۶۳۵).

(۳) فتح الباری: (۵۳/۲).

ج- نمازهای سنت رواتب:

أم حبیبة رضی الله عنها گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «ما من عبد مسلم یصلی لله کل یوم ثنتی عشرة رکعة تطوعاً غیر فریضة إلا بنی الله له بیتاً فی الجنة» (بندهی مسلمانی نیست که در هر روز دوازده رکعت نماز مستحب و غیر واجب بخواند، مگر آن که الله [متعال] خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌فرماید) [مسلم<sup>(۱)</sup>].

با لفظی دیگر آمده است: «من صلی اثنتی عشرة رکعة فی یوم وليلة بنی له بیت فی الجنة» (کسی که در شبی و روزی دوازده رکعت نماز بخواند، برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌شود).

ترمذی<sup>(۲)</sup> آن را روایت کرده است و افزوده است: «أربعاً

---

(۱) صحیح مسلم: (۱/۵۰۳ - ح ۷۲۸).

(۲) جامع الترمذی: (۲/۴۱۵) (ح ۴۱۵).



قبل الظهر، و رکعتین بعدها، و رکعتین بعد المغرب، و رکعتین بعد العشاء، و رکعتین قبل صلاة الفجر» (چهار رکعت قبل از ظهر و دو رکعت بعد از آن و دو رکعت بعد از مغرب و دو رکعت بعد از عشاء و دو رکعت قبل از نماز صبح) ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

د- سنت وضو:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله هنگام نماز صبح به بلال رضی الله عنه فرمود: «حدثنی بأرجی عمل عملته عندک فی الإسلام منفعه، فإنی سمعت اللیلة خشف نعلیک بین یدی فی الجنة؟» (از عملی که در اسلام آن را انجام داده‌ای و به آن برای نفع بردن بیشتر از بقیه [اعمال] امید داری را به من بگو! زیر من امشب صدای دمپایی‌های تو را در پیشگاه بهشت شنیدم؟) بلال رضی الله عنه گفت: به عملی بیشتر از این در اسلام امید ندارم که در آن نفع وجود داشته باشد مگر آن که در ساعتی از شب یا روز طهارتی کامل کرده باشم (غسل، وضو و ...) و با

آن طهارت نمازی را خوانده باشم که الله [تعالی] آن را برای من نوشته باشد.

در روایتی دیگر آمده است: «فإني سمعت دف نعليك» (من صدای دمپایی تو را شنیدم) [متفق علیه]<sup>(۱)</sup>.

هـ- دو رکعت نماز با حضور قلب و فروتنی:

عقبه بن عامر رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ما من مسلم يتوضأ فيحسن وضوءه، ثم يقوم فيصلي ركعتين، مقبل عليهما بقلبه ووجهه إلا وجبت له الجنة» (مسلمانی نیست که وضوئی نیکو بگیرد، سپس بایستد و دو رکعت نماز بخواند در حالی که قلب و صورت او متوجه آن دو [رکعت] باشد، [اتفاقی نمی افتد] مگر آن که بهشت بر او واجب می شود) [رواه مسلم]<sup>(۲)</sup>.

---

(۱) صحیح البخاری: (۳۴/۳) (۱۱۴۹). و صحیح مسلم: (۴/۱۹۱۰)

(ح ۲۴۸۵).

(۲) صحیح مسلم: (۱/۲۰۹) (ح ۲۳۴).

و- زیاد سجده نمودن برای الله تعالی:

خالد بن معدان گفته است: ثوبان مولای رسول الله ﷺ را دیدم و گفتم: از عملی به من خبر بده که الله [تعالی] مرا توسط آن داخل بهشت می فرماید یا آن که - آمده است - کدام عمل نزد الله محبوبتر است؟ او ساکت شد، دوباره‌ی از او پرسیدم؟ او ساکت شد، بار سوم از او پرسیدم؟ گفت: این را از رسول الله ﷺ پرسیدم و فرمود: «علیک بکثرة السجود لله، فإنک لا تسجد لله سجدة إلا رفعک الله بها درجة، و حط عنک بها خطیئة» (بر توست زیاد سجده نمودن، زیرا تو سجده‌ای را برای الله [متعال] بجا نمی‌آوری، مگر آن که الله توسط آن تو را درجه‌ای بالا می‌برد و خطایی از تو پاک می‌کند) [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

ربیعة بن کعب رضی الله عنه گفته است که شبی را با رسول الله ﷺ سپری کردم، با وضو و نیازش نزد وی رفتم و به من فرمود:

---

(۱) صحیح مسلم: (۱/۳۵۳) (ح ۴۸۸).

«سل؟» (درخواست کن؟) گفت: همنشینی با تو در بهشت را از تو می‌خواهم، فرمود: «أو غیر ذلک؟» (غیر از این؟) گفتم: همان، فرمود: «فأعنی علی نفسک بکثرة السجود» (برای این امر [با زیاد نمودن سجده به خودت کمک کن!]) [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

ز- نماز شب:

عبد الله بن سلام رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «يا أيها الناس أفشوا السلام، وأطعموا الطعام، وصلوا الأرحام، وصلوا بالليل والناس نيام تدخلوا الجنة بسلام» (ای مردم! سلام کردن را انتشار دهید و [به فقیران] غذا دهید و صله‌ی رحم بجا آورید و شب در حالی که مردم خواب هستند، نماز بخوانید [که در این صورت] به سلامت داخل بهشت می‌شوید) [ترمذی و آن را صحیح دانسته است<sup>(۲)</sup>، ابن ماجه<sup>(۳)</sup>، أحمد<sup>(۱)</sup>،

---

(۱) صحیح مسلم: (۳۵۳/۱) ح (۴۷۹).

(۲) جامع الترمذی: (۵۶۲/۴) ح (۲۴۷۵).

(۳) سنن ابن ماجه: (۴۲۳/۱) ح (۱۳۳۴) و (۱۰۸۳/۲) ح (۳۲۵۱).

حاکم<sup>(۲)</sup> و گفته است به شرط شیخین صحیح می باشد. و آقره ذهبی و آلبنی<sup>(۳)</sup>.

احادیث دیگری درباره‌ی انتشار سلام خواهد آمد که به این حدیث گواهی می دهند.

✽ زیاد به مسجد رفتن برای عبادت:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من غدا إلى المسجد أو راح أعد الله له في الجنة نزلاً كلما غدا أو راح» کسی که صبح یا شبی به مسجد برود، الله برای او پذیرایی در بهشت آماده می نماید که به مانند آن صبح رفتن [او] یا در شب رفتن [او] می باشد [متفق علیه]<sup>(۴)</sup>.

== \_\_\_\_\_

(۱) مسند أحمد: (۴۵۱/۵).

(۲) المستدرک: (۱۳/۳).

(۳) السلسلة الصحيحة: (۵۶۹).

(۴) صحیح البخاری: (۱۴۸/۲) (ح ۶۶۲)، و صحیح مسلم: (۴۶۲/۱) (ح ۶۶۹).

ابن حجر گفته است: «النزل» به ضمه ی نون و زا مکانی است که آماده ی نازل شدن در آن می باشد و با ساکن بودنِ زا چیزی است که آماده ی مهمانی و مانند آن است... و ظاهر حدیث می رساند که کسی که به مسجد به صورت مطلق می رود، فضیلت برای او حاصل می شود، ولی منظور از آن رفتنی است که برای عبادت، مخصوصاً نماز می باشد<sup>(۱)</sup>.

«الغدو»: رفتن در اول روز است و آن از اول روز تا وقت زوال (اذان ظهر) است.

«الرواح»: رفتن در آخر آن است و آن بین زوال تا شب می باشد<sup>(۲)</sup>.

ابو امامه رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ثلاثة کلهم ضامن علی الله إن عاش رزق و کفی، وإن مات أدخله

---

(۱) فتح الباری: (۱/۱۴۸).

(۲) انظر هدی الساری: ص (۱۲۶، ۱۶۱).

الجنة» (سه گروه هستند که الله [متعال] مسئولیت تمامی آنها را برعهده می‌گیرد، اگر زندگی کنند، روزی داده می‌شوند و برای آنها کافی است و اگر بمیرند آنها را داخل بهشت می‌نماید) و از آنها ذکر فرمود: «ومن خرج إلى المسجد، فهو ضامن على الله» (و کسی که به سوی مسجد [از خانه] خارج شود، همان کسی است که الله [متعال] عهده‌دار او می‌شود) [أبو داود<sup>(۱)</sup>، ابن حبان در صحیحش<sup>(۲)</sup> و لفظ برای اوست و آلبانی سند آن را صحیح دانسته است<sup>(۳)</sup>].

✽ ساختن مسجد:

عثمان بن عفان رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من بنى مسجداً يبتغى به وجه الله بنى الله له مثله فى الجنة» (کسی که برای کسب رضایتمندی الله [تعالی] مسجدی بسازد،

---

(۱) سنن أبی داود: (۱۶/۳) (ح ۲۴۹۴).

(۲) الإحسان: (۳۵۹/۱) (ح ۴۴۹).

(۳) صحیح الترغیب: (۱۲۸/۱).

الله [متعال] برای او مثل آن را در بهشت می‌سازد] متفق علیه<sup>(۱)</sup>.

جابر بن عبد الله رضی الله عنهما گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «من بنی مسجداً لله كمفحص قطة، أو أصغر بنی الله له بيتاً فی الجنة» (کسی که برای الله مسجدی به اندازه‌ی خانه‌ی مرغ سنگخوار یا کوچکتر بسازد، الله [تعالی] برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌نهد) [ابن ماجه<sup>(۲)</sup>، بوصیری گفته است: اسناد آن صحیح است<sup>(۳)</sup> و آلبانی آن را صحیح دانسته است<sup>(۴)</sup>].

---

(۱) صحیح البخاری: (۵۴۴/۱) (ح ۴۵۰) و صحیح مسلم: (۳۷۸/۱) (ح ۵۳۳).

(۲) سنن ابن ماجه: (۲۴۴/۱) (ح ۷۳۸).

(۳) مصباح الزجاجة: (۹۴/۱).

(۴) صحیح الجامع (ح ۶۱۲۸).



✽ اذان را تکرار کردن:

عمر رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ: اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ، ثُمَّ قَالَ: حَى عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (وقتی مؤذن می گوید: الله اكبر الله اكبر، کسی از شما بگوید: الله اكبر الله اكبر، سپس [مؤذن] بگوید: اشهد ان لا اله الا الله و او بگوید: اشهد ان لا اله الا الله، سپس [مؤذن] بگوید: اشهد ان محمداً رسول الله و او بگوید: اشهد ان محمداً رسول الله، سپس [مؤذن] بگوید: حى على الصلاة و او بگوید: لا حول ولا قوة الا بالله (هیچ دگرگونی و قدرتی نیست مگر از جانب الله)، سپس [مؤذن]

بگوید: حی علی الفلاح و او بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله، سپس مؤذن بگوید: الله اكبر الله اكبر و او بگوید: الله اكبر الله اكبر، سپس [مؤذن] بگوید: لا اله (پرستش شونده و معبود برحق) الا الله و او بگوید: لا اله الا الله. [اگر اینها را] با قلبش [بگوید]، داخل بهشت می شود] [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

\* روزه:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إذا جاء رمضان فتحت أبواب الجنة، وغلقت أبواب النار، وصدت الشياطين» (وقتی رمضان می آید، دربهای بهشت باز می شوند و دربهای جهنم بسته می شوند و شیطانها در بند و زنجیر گرفتار می شوند) [متفق علیه]<sup>(۲)</sup>.

سهل بن سعد رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إن فی

---

(۱) صحیح مسلم: (۲۸۹/۱) (ح ۲۷۵).

(۲) صحیح البخاری: (۱۲۲/۴ - ح ۱۸۹۸) (۳۳۶ - ح ۳۲۷۷)، صحیح

مسلم: (۷۵۸/۲) (ح ۱۰۷۹).

الجنة بابًا يقال له: الريان، يدخل منه الصائمون يوم القيامة، لا يدخل منه أحد غيرهم، يقال: أين الصائمون؟ فيقومون، لا يدخل منه أحد غيرهم، فإذا دخلوا أغلق، فلم يدخل منه أحد» (بهشت دربی دارد که به آن «الریان» گفته می‌شود، روز قیامت، روزه داران از آن داخل می‌شوند و احدی غیر از آنها از آن داخل نمی‌شود، گفته می‌شود: روزه داران کجا هستند؟ آنها می‌ایستند [تا از آن داخل شوند] و احدی غیر از آنها از آن داخل نمی‌شود، وقتی داخل شدند، بسته می‌شود و احدی از آن داخل نمی‌شود) [متفق علیه]<sup>(۱)</sup>.

✽ انفاق در راه الله تعالی:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من أنفق زوجين في سبيل الله، نودي من أبواب الجنة: يا عبد الله، هذا

---

(۱) صحیح البخاری: (۱۱۱۴ - ح ۱۸۹۶) (۳۲۸/۶ - ح ۳۲۵۷).

وصحیح مسلم: (۸۰۸/۲) (ح ۱۱۵۲).

خیر، فمن كان من أهل الصلاة دعى من باب الصلاة، ومن كان من أهل الجهاد دعى من باب الجهاد، ومن كان من أهل الصيام دعى من باب الريان، ومن كان من أهل الصدقة دعى من باب الصدقة» (کسی که دو بار از چیزی در راه الله انفاق کند، از درهای بهشت ندا داده می‌شود: ای بنده‌ی الله، این خیر است، اگر از اهل نماز باشد از درب نماز دعوت داده می‌شود و اگر از اهل جهاد باشد از درب جهاد دعوت داده می‌شود و اگر از اهل روزه باشد از درب «الریان» دعوت داده می‌شود و اگر از اهل صدقه باشد، از درب صدقه دعوت داده می‌شود).

ابوبکر رضی الله عنه گفت: پدر و مادرم فدایت شوند ای رسول الله! هر کسی بر حسب ضرورت از یکی از آن درها دعوت داده می‌شود، آیا کسی وجود دارد که از تمام درها دعوت داده شود؟ فرمود: «نعم، وأرجو أن تكون منهم» (بله و امید دارم که تو از

آنها باشی) [متفق علیه]<sup>(۱)</sup>.

حافظ ابن حجر گفته است: منظور از «الزوجین» انفاق دو چیز است که از یک نوع واحد باشند<sup>(۲)</sup>.

گفته است و سخنش: «فی سبیل الله» به معنای برای طلب نمودن ثواب از الله [تعالی] و آن عام تر از جهاد و دیگر عبادات است [و همه‌ی آنها را شامل می‌شود]<sup>(۳)</sup>.

✽ صدقه:

حذیفه رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من تصدق بصدقة ابتغاء وجه الله ختم له بها دخل الجنة» (کسی که برای کسب رضایتمندی الله [تعالی] صدقه‌ای بدهد و عمرش با آن

---

(۱) صحیح البخاری: (۱۱/۴-ح ۱۸۹۷). و صحیح مسلم: (۷۱۱/۲)

(ح ۱۰۲۷).

(۲) فتح الباری: (۱۱۲/۴).

(۳) فتح الباری: (۲۷/۷).

تمام شود، داخل بهشت می شود) [أحمد<sup>(۱)</sup>، منذری گفته است:  
در اسناد آن ایرادی وجود ندارد]<sup>(۲)</sup>.

\* گذشت نمودن از شخص فقیر:

حذیفه رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنْ رَجُلًا مَاتَ  
فَدَخَلَ الْجَنَّةَ، فَقِيلَ لَهُ: مَا كُنْتَ تَعْمَلُ؟ قَالَ: فَإِذَا ذَكَرْتُ أَوْ ذَكَرَ،  
فَقَالَ: إِنِّي كُنْتُ أَبَايَعِ النَّاسِ، فَكُنْتُ أَنْظِرُ الْمَعْسَرَ وَأَتَجَوَّزُ فِي  
السُّكَّةِ أَوْ فِي الْقَدْرِ. فَغُفِرَ لَهُ» (مردی وفات نمود و داخل بهشت  
شد، به او گفته شد: عمل تو چه بود؟ گفت: یاد نمودم یا یاد آور  
شد و گفت: من با مردم خرید و فروش می کردم و به فقیر  
مهلت می دادم و [برای او به اندازه‌ی] درهم یا اندازه زدنی در  
می گذشتم. و به همین دلیل آمرزیده شد). أبو مسعود گفته  
است: من آن را از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم [مسلم]<sup>(۳)</sup>.

---

(۱) المسند: (۵/۳۹۱).

(۲) الترغيب والترهيب: (۲/۶۱).

(۳) صحيح الترغيب والترهيب.

امام نووی گفته است: «والتجاوز والتجوز» معنای آن دو این است که در حکم نمودن و کامل کردن معامله مسامحه می نمود و آنچه کم بود را قبول می کرد<sup>(۱)</sup>.

✽ به کنار زدن چیزهایی در راه که باعث آزار مردم می شود:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لقد رأيت رجلاً يتقلب في الجنة في شجرة قطعها من ظهر الطريق، كانت تؤذي الناس» (مردی را دیدم که در بهشت گشت و گذار می نمود و این برای آن بود که او درختی که در راه، باعث آزار مردم شده بود را قطع نمود) [مسلم]<sup>(۲)</sup>.

لفظ ابوداود<sup>(۳)</sup> این است: «نزع رجل لم يعمل خيراً قط غصن سوک عن الطريق، إما كان في شجرة فقطعه وألقاه، وإما

---

(۱) شرح صحیح مسلم للنووی: (۴۸۳/۱۰).

(۲) صحیح مسلم: (۲۰۲۱/۴) (ح ۱۹۱۴).

(۳) سنن ابی داود: (۴۰۸/۵) (ح ۵۲۴۵).

کان موضوعاً فأماطه، فشکر الله له بها، فأدخله الجنة» (مردی که هرگز هیچ عمل خیری را انجام نداده بود، شاخه‌ی خارداری را از سر راه برداشت، یا آن به صورت درختی بود که آن را قطع نمود و کنار انداخت و یا آن که اگر قرار گرفته بود آن را کنار زد، در نتیجه الله [تعالی] به واسطه‌ی آن از او قدردانی نمود و او را داخل بهشت نمود). آلبانی گفته است: حسن صحیح است<sup>(۱)</sup>.

\* نیکوکاری به حیوانات:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أن رجلاً رأى كلباً يأكل الثرى من العطش، فأخذ الرجل خفه فجعل يغرف له به حتى أرواه، فشكر الله له فأدخله الجنة» (مردی سگی را دید که از شدت تشنگی گِل می‌خورد و آن مرد کفشش را برداشت برای او مشتی آب آورد تا آن که تشنگی

---

(۱) صحیح سنن أبی داود: (۳/۹۸۴).



[سگ] را برطرف نمود، الله از او قدردانی نمود و او را داخل بهشت کرد) [بخاری (بخارایی)]<sup>(۱)</sup>.

ابن حجر گفته است: معنای «الثری» خاک نمناک است<sup>(۲)</sup>.

### \* کفالت یتیم:

سهل بن سعد رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أنا وكافل الیتیم فی الجنة هكذا» (من و کسی که کفالت یتیمی را برعهده بگیرد، به مانند این هستیم) و اشاره نمود به انگشت سبابه و وسط و بین آنها فاصله انداخت. [بخاری (بخارایی)]<sup>(۳)</sup>.

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «كافل الیتیم له أو لغيره أنا وهو كهاتین فی الجنة» (کسی که یتیمی را کفالت کند، چه آن یتیم فامیلش باشد و یا غیر فامیل باشد،

---

(۱) صحیح البخاری: (۲۷۸/۱) ح (۱۷۳).

(۲) فتح الباری: (۲۷۸/۱).

(۳) صحیح البخاری: (۴۳۹/۹ ح - ۵۳۰۴) و (۴۳۶/۱۰ ح - ۶۰۰۵).

من و او به مانند این دو در بهشت هستیم] مسلم<sup>(۱)</sup>.

ابن اثیر گفته است: «کافل الیتیم» کسی است که امر یتیم را بر عهده بگیرد و او را کفالت کند و او را تربیت نماید. «الیتیم»: کسی است که پدرش مرده است و از جنبندگان کسی است که مادرش مرده باشد.

گفته است: «له أو لغيره» ضمیر در آن به کفالت کننده‌ی یتیم بر می‌گردد، یکسان است که آن [یتیم] از خویشاوندان و نسب او به مانند فرزندش و مانند آن باشد یا آن که او بیگانه باشد [و فامیل او نباشد] و او وی را کفالت کند، برای آن دو یک اجر وجود دارد<sup>(۲)</sup>.

ابن حجر گفته است: معنای سخنش: «له» این است که پدربزرگ یا عمو و یا برادر و یا به مانند آن از خویشاوندان

---

(۱) صحیح مسلم: (۲۲۸۷/۴) (ح ۲۹۸۳).

(۲) جامع الأصول: (۴۱۸/۱).

باشد، یا آن که پدر بچه بمیرد و مادر او بجای پدرش تربیت او را برعهده بگیرد<sup>(۱)</sup>.

\* تربیت کردن و نفقه دادن به دختران:

در صحیح مسلم<sup>(۲)</sup> از انس رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من عال جاریتین حتی تبلغا جاء یوم القیامة، أنا وهو، وضم أصابعه» (کسی که دو دختر را سرپرستی کند تا بزرگ شوند، روز قیامت من و او [این گونه هستیم] و انگشتانش را جمع نمود).

ترمذی<sup>(۳)</sup> با این لفظ روایت کرده است: «من عال جاریتین دخلت أنا وهو الجنة كهاتین وأشار بأصبعیه» (کسی که دو دختر را سرپرستی کند، من و او به مانند این دو داخل بهشت می شویم و به دو انگشتش اشاره نمود) و گفته است این

---

(۱) فتح الباری: (۴۳۶/۱۰).

(۲) صحیح مسلم: (۲۰۲۷/۴) ح (۲۶۳۱).

(۳) جامع الترمذی: (۲۸۱/۴) ح (۱۹۱۴).

حدیث با این وجه حسن می‌باشد.

امام نووی گفته است: معنای «عالمها» این است که نفقه و کفالت آن دو و تربیت آنها و مانند آن را برعهده بگیرد و ریشه‌ی آن «العول» و آن نزدیکی است و از آن آمده است: «ابدأ بمن تعول» (با کسی که سرپرستی می‌کنی، شروع کن!)<sup>(۱)</sup>.

عایشه رضی الله عنها گفته است: زن فقیری نزد من آمد در حالی که دو دخترش را در بقل داشت، به او سه خرما دادم تا آن را بخورد و او آنها را به دخترانش داد و خرمایی را که می‌خواست بخورد، دو نیم کرد و بین آنها تقسیم کرد. کار او مرا به تعجب انداخت و عملی را که انجام داده بود برای رسول الله ﷺ بیان داشتم و او فرمود: «إن الله قد أوجب لها بها الجنة، أو أعتقها بها من النار» (به وسیله‌ی آن، الله [تعالی]، بهشت را

---

(۱) شرح صحیح مسلم: (۴۱۹/۱۶).

بر او واجب فرمود یا او را از آتش جهنم نجات داد] [با این لفظ، مسلم<sup>(۱)</sup>].

این حدیث در صحیحین<sup>(۲)</sup> از عایشه رضی الله عنها با این لفظ آمده است: زنی نزد من آمد که دو دختر همراه وی بودند و از من گدایی کرد، چیزی نزد خودم نیافتم، مگر یک خرما و آن را به او عطا نمودم، آن را گرفت و بین دو دخترش تقسیم نمود و از آن چیزی نخورد، سپس ایستاد و همراه دو دخترش رفت. پیامبر ﷺ نزد من آمد و ماجرا را برایش بیان نمودم و پیامبر ﷺ فرمود: «من ابتلی من البنات بشیء، فأحسن إلیهن کن له سترًا من النار» (کسی که با دخترانش با چیزی مورد آزمایش قرار گیرد و او به آنها نیکی کند، [این عمل او] برای وی مانعی از آتش جهنم می شود).

---

(۱) صحیح مسلم: (۲۰۲۷/۴) (ح ۲۶۳۰).

(۲) صحیح البخاری: (۴۲۶/۱۰) و صحیح مسلم الموضع السابق.

انس رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من کن له ثلاث بنات، أو ثلاث أخوات، فاتقی الله، وأقام علیهن کان معی فی الجنة هكذا، وأوماً بالسبابة والوسطی» (کسی که سه دختر یا سه خواهر داشته باشد و از الله [درباره‌ی آنها] بترسد و تقوا پیشه کند و بر آنها سرپرستی کند، همراه من در بهشت این گونه خواهد بود و به انگشت سبابه و وسط خود اشاره فرمود) [أبو یعلی و آلبانی سند آن را صحیح دانسته‌اند<sup>(۱)</sup>].

#### \* اخلاق نیکو:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: از رسول الله صلی الله علیه و آله سوال شد که بیشترین افرادی که وارد بهشت می‌شوند، چه کسانی هستند؟ فرمود: «تقوی الله وحسن الخلق» (کسی که تقوای الهی و اخلاق نیکو داشته باشد)، سوال شد بیشترین افرادی که داخل

---

(۱) ساقه الألبانی فی السلسله الصحیحه: (۲۹۵) من مسند أبی یعلی

جهنم می‌شوند چه کسانی هستند؟ فرمود: «الفم والفرج»  
[کسی که دارای دهان و فرج [گناهکار باشد]] [ترمذی<sup>(۱)</sup> و  
گفته است: این حدیث صحیح غریب است و آلبانی سند آن را  
حسن دانسته است<sup>(۲)</sup> و ابن ماجه آن را تخریج نموده است<sup>(۳)</sup>].  
ابو امامه رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أما زعيم  
ببيت في ربض الجنة لمن ترك المراء وإن كان محققًا، وبيت  
في وسط الجنة لمن ترك الكذب وإن كان مازحًا، وبيت في  
أعلى الجنة لمن حسن خلقه» (برای کفالت کننده، خانه‌ای در  
وسط بهشت است و این در صورتی است که درگیری را ترک  
کند، حتی اگر حق با او باشد و برای کسی که دروغ را ترک  
می‌کند، حتی از روی شوخی، خانه‌ای در وسط بهشت خواهد  
بود و در بالاترین جای بهشت، خانه‌ای برای کسی است که

---

(۱) جامع الترمذی: (۳۱۹/۴) (ح ۲۰۰۴).

(۲) صحیح سنن الترمذی: (۱۹۴/۲).

(۳) سنن ابن ماجه: (۱۴۱۸/۲) (ح ۴۲۴۶).

اخلاق نیکو داشته باشد) [ابوداود<sup>(۱)</sup> و نووی<sup>(۲)</sup> و آلبنانی آن را صحیح دانسته‌اند<sup>(۳)</sup>].

خطابی گفته است: «الزعیم» تضمین کننده و کفالت کننده است<sup>(۴)</sup>.

### \* راستگویی و ترک کردن دروغ:

حدیث ابوامامه رضی الله عنه که در قبل آمد دلیلی بر آن می‌باشد. ابن مسعود رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إن الصدق یهدی إلى البر، وإن البر یهدی إلى الجنة، وإن الرجل لیصدق حتی یشکک فی الفجور، وإن الفجور یهدی إلى النار، وإن الرجل لیکذب حتی یشکک عند الله کذاباً» (راستگویی به سوی نیکی هدایت می‌کند و

---

(۱) سنن أبی داود: (۵/۱۵۰) (ح ۴۸۰۰).

(۲) ریاض الصالحین: (ح ۶۳۴).

(۳) صحیح الجامع الصغیر: (ح ۱۴۶۴).

(۴) معالم السنن مع السنن: (۵/۱۵۰).



نیکی به سوی بهشت و مردی است که آنقدر راست می‌گوید تا آن که به منزلت صدیق (بسیار راستگو) می‌رسد و دروغگویی به سوی فجور هدایت می‌کند و فجور به سوی آتش جهنم و مردی است که آنقدر دروغ می‌گوید تا الله [تعالی منزلت] او را کذاب (بسیار دروغگو) می‌نویسد. [متفق علیه<sup>(۱)</sup> و لفظ برای بخاری (بخاری) است].

✽ حفظ زبان و فرج:

سهل بن سعد رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من یضمن لی ما بین لحييه و ما بین رجليه أضمن له الجنة» (کسی که آنچه بین دو ریشش (ریش و سبیل) و آنچه بین دو پایش است را برای من تضمین کند، من برای او بهشت را تضمین می‌کنم).

با لفظی دیگر آمده است: «من توکل لی ما بین رجليه

---

(۱) صحیح البخاری: (۵۰۷/۱۰). وصحیح مسلم: (۲۰۱۲/۴) (ح ۲۶۰۷).

وما بین لحييه توكلت له بالجنة» (کسی که آنچه در بین دو پایش و آنچه بین دو ریشش است را برای من حفظ کند، برای او بهشت را حفظ می‌کنم) [بخاری(بخارایی)<sup>(۱)</sup>].

ابن حجر گفته است: «یضمن» از ریشه‌ی «الضمان» است و به معنای وفا نمودن با ترک گناه است و منظور کسی است که حق آنچه بر زبان جاری می‌شود را بجا آورد یا آن که از چیزی که به او مربوط نمی‌شود، ساکت گردد و همچنین حق فرج را ادا کند و آن را در راه حلال استفاده کند و آن را از حرام باز دارد.

گفته است: «لحييه» با فتحه‌ی لام و ساکن بودن حاء و تشبیه بودن آن منظور دو استخوان دو طرف دهان است و منظور چیزی است که بین آن دو است که همان زبان و آنچه از سخن گفتن با آن انجام می‌پذیرد می‌باشد و: «ما بین

---

(۱) صحیح البخاری: (۳۰۸/۱۱) (ح ۶۴۷۴) و (۱۱۳/۱۲) (ح ۶۸۰۷).

الرجلین:» (بین دو پایش) منظور فرج است<sup>(۱)</sup>.

\* فرو بردن خشم و عدم خشمگین شدن:

ابودرداء رضی الله عنه گفته است که مردی به رسول الله صلی الله علیه و آله گفت:

مرا به چیزی راهنمایی کن که مرا داخل بهشت نماید! رسول

الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تغضب ولك الجنة» (عصبانی نشو و بری تو

بهشت خواهد بود) [طبرانی و منذری گفته است: طبرانی آن را

با دو سند بیان داشته است و یکی از آنها صحیح است<sup>(۲)</sup> و

آلبانی گفته است: صحیح است<sup>(۳)</sup>].

أصل حدیث آن است که در صحیح بخاری<sup>(۴)</sup> آمده است

که ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: مرا به

چیزی سفارش کن! فرمود: «لا تغضب» (خشمگین مشو!) آن

---

(۱) فتح الباری: (۳۰۹/۱۱).

(۲) الترغیب والترهیب: (۲۷۷/۳).

(۳) صحیح الجامع الصغیر: (ح ۷۳۷۴).

(۴) صحیح البخاری: (۵۱۹/۱۰) (ح ۶۱۱۶).

[سوال] را چند بار تکرار کرد [و پیامبر ﷺ] فرمود: «لا تغضب» (خشمگین مشو!).

\* سلامت بودن درون از حسادت و کینه:

أنس بن مالک رضی الله عنه گفته است: نزد رسول الله ﷺ نشسته بودیم که فرمود: «يطلع عليكم الآن رجل من أهل الجنة» (حالا مردی از اهل بهشت بر شما نمایان می‌شود) در همان هنگام مردی که ریشش از وضو گرفتن تمیز شده بود و دو دمپایی‌اش در دست چپش بود، نمایان شد.

فردای آن روز رسول الله ﷺ فرمود: «يطلع عليكم الآن رجل من أهل الجنة» (حالا مردی از اهل بهشت بر شما نمایان می‌شود)، در همان هنگام همان مرد به مانند دفعه‌ی اول نمایان شد.

روز بعد از آن رسول الله ﷺ فرمود: «يطلع عليكم الآن رجل من أهل الجنة» (حالا مردی از اهل بهشت بر شما نمایان می‌شود) همان مرد به مانند دفعه‌ی اول نمایان شد.

وقتی رسول الله ﷺ ایستاد عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما به دنبال او رفت و گفت: با پدرم اختلاف پیدا کرده‌ام و قسم خوردم که سه شب نزد وی نروم، اگر اجازه دهی تا نزد تو بیایم تا قسمم درست از آب در بیاید، گفت: باشد.

انس رضی الله عنه گفت: عبد الله بن عمرو سه شب با او صبح نمود و ندید که او در شب کاری انجام دهد، مگر آن که وقتی به رختخوابش می‌رفت، الله [تعالی] را یاد می‌نمود و تکبیر می‌گفت، تا آن که صبح برای نماز می‌ایستاد و وضوی کاملی می‌گرفت.

عبد الله رضی الله عنه گفت: مگر آن که از او چیزی نشنیدم مگر خیر، وقتی سه شب تمام شد، خواستم تا عمل نمودن او را تحقیر کنم، گفتم: ای بنده‌ی الله! بین من و بین پدرم خشمگینی و قهر کردنی وجود نداشته است، ولی از رسول الله ﷺ سه بار در سه محفل شنیدم که می‌فرمود: «یطلع علیکم الآن رجل من

أهل الجنة» (حالا مردی از اهل بهشت بر شما نمایان می‌شود) و در همان هنگام تو سه بار نمایان شدی و خواستم تا نزد تو بیایم تا عمل نمودنت را بنگرم و از تو عمل بزرگی را ندیدم، به چه دلیل رسول الله ﷺ درباره‌ی تو این چنین گفت؟ گفت: آن فقط چیزی است که تو دیده‌ای و از او جدا شدم.

وقتی از او جدا شدم، مرا صدا زد و گفت: آن فقط چیزی است که تو دیده‌ای، مگر آن که من کینه‌ی احدی از مسلمانان را در درونم ندارم و برای خیری که الله به آنان می‌دهد، حسادت نمی‌کنم، عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما گفت: این همان چیزی است که تو را به این منزلت رسانده است و همان چیزی است که ما طاقت آن را نداریم. [أحمد<sup>(۱)</sup>، نسائی<sup>(۲)</sup> و منذری: اسناد آن به شرط بخاری و مسلم صحیح

---

(۱) مسند أحمد: (۱۶۶/۳).

(۲) عمل اليوم والليلة للنسائی: (ص ۴۹۳) (ح ۸۶۳).

است<sup>(۱)</sup>، عراقی گفته است: اسناد آن به شرط شیخین صحیح است<sup>(۲)</sup>].

\* ستایش نیکو از مردم:

انس رضی الله عنه گفته است که از کنار جنازه‌ای گذشت و از آن به خوبی یاد شد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وجبت وجبت وجبت» (واجب شد، واجب شد، واجب شد) و از کنار جنازه‌ای گذشت و از آن به بدی یاد شد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وجبت وجبت وجبت» (واجب شد، واجب شد، واجب شد)، عمر رضی الله عنه درباره‌ی آن از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال نمود و او فرمود: «من أثبتتم علیه خيراً وجبت له الجنة، ومن أثبتتم علیه شراً وجبت له النار، أنتم شهداء الله في الأرض، أنتم شهداء الله في الأرض، أنتم شهداء الله في الأرض» (کسی که از او به نیکی یاد کردید،

---

(۱) الترغيب والترهيب: (۱۳/۴).

(۲) المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار فی تخريج أحاديث الإحياء:

(۱۸۷/۳) بهامش الإحياء.

بهشت بر او واجب شد و از کسی که به بدی یاد کردید، آتش جهنم بر او واجب شد، شما شاهدان الله [تعالی] بر روی زمین هستید، شما شاهدان الله [تعالی] بر روی زمین هستید، شما شاهدان الله [تعالی] بر روی زمین هستید [شیخان<sup>(۱)</sup> و لفظ برای مسلم است].

عمر رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أبما مسلم شهد له أربعة بخير أدخله الله الجنة» (برای مسلمانی که چهار نفر گواهی دهند که او بر خیر بوده است، الله [متعال] او را داخل بهشت می‌کند) گفتیم: سه نفر چطور؟ فرمود: «وثلاثة» (و سه نفر) گفتیم: دو نفر چه طور؟ فرمود: «واثنان» (و دو نفر) و درباره‌ی یک نفر از او سوال نمودیم. [بخاری<sup>(۲)</sup>].

عبد الله بن عباس رضی الله عنهما گفته است که رسول

---

(۱) صحیح البخاری: (۲۲۸/۳) (ح ۱۳۶۷)، صحیح مسلم: (۶۵۵/۲) (ح ۹۴۹).

(۲) صحیح البخاری: (۲۲۹/۳) (ح ۱۳۶۸).



الله ﷻ فرمود: «أهل الجنة من ملأ الله أذنيه من ثناء الناس خيراً وهو يسمع، وأهل النار من ملأ أذنيه من ثناء الناس شراً وهو يسمع» (اهل بهشت کسی است که الله گوشهای او را از خوب گویی مردم پُر کرده است و او آن را می شنود و اهل آتش جهنم کسی است که الله گوشهای او را از بدگویی مردم پُر کرده است و او آن را می شنود). [ابن ماجه<sup>(۱)</sup> بوصیری گفته است: اسناد این حدیث صحیح است و رجال آن ثقه می-باشند<sup>(۲)</sup> و آلبانی گفته است: صحیح است<sup>(۳)</sup>].

\* نیکی به پدر و مادر:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «رغم أنفه ثم رغم أنفه ثم رغم أنفه» (بینی اش بر زمین کشیده شود، سپس بینی اش بر زمین کشیده شود، سپس بینی اش بر زمین

---

(۱) سنن ابن ماجه: (۴۲۲۴/۲) (ح ۴۲۲۴).

(۲) مصباح الزجاجة: (۲۴۳/۴).

(۳) صحیح الجامع: (۲۵۲۷).

کشیده شود) گفته شد: چه کسی ای رسول الله؟ فرمود: «من أدرك والديه عند الكبر، أحدهما أو كلاهما ثم لم يدخل الجنة» (کسی که پدر و مادر او در پیری، یکی از آنها یا هر وی آنها نزد وی باشند و او داخل بهشت نشود) [مسلم]<sup>(۱)</sup>.

ابن اثیر گفته است: «رغم أنفه» الرغام: خاک است و «رغم أنفه» به معنای آن است که [بینی اش] به خاک کشیده شود<sup>(۲)</sup>.

ابودرداء رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الوالد أوسط أبواب الجنة، فإن شئت فأضع ذلك الباب أو احفظه» ([درب] پدر وسط‌ترین درب بهشت است، اگر خواستی آن درب را ضایع کن و یا از آن محافظت کن!) [ترمذی]<sup>(۳)</sup> و گفته

---

(۱) صحیح مسلم: (۱۹۷۸/۴) (ح ۲۵۵۱).

(۲) جامع الأصول: (۱/۴۰۰).

(۳) جامع الترمذی: (۲۷۵/۴) (ح ۱۹۰۰).

است: حدیث صحیح است، ابن ماجه<sup>(۱)</sup>، أحمد<sup>(۲)</sup>، ابن حبان آن را صحیح دانسته است<sup>(۳)</sup>، آلبنی<sup>(۴)</sup>، حاکم و أقره الذهبی<sup>(۵)</sup>].

\* طلب آموزش فرزند برای پدر و مادر:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إن الرجل ليرفع درجته فی الجنة، فيقول: أنى هذا؟ فيقال: باستغفار ولدك لك» (مردی است که درجه‌ی او در بهشت بالا می‌رود، می‌گوید: این از کجا آمده است؟ گفته می‌شود: با طلب آموزش فرزندت برای تو، [بدست آمده است]) [أحمد<sup>(۶)</sup>،

---

(۱) سنن ابن ماجه: (۱۲۰۸/۲) (ح ۳۶۶۳).

(۲) مسند أحمد: (۱۹۸/۵).

(۳) موارد الظمان: (ص ۴۹۶) (ح ۲۰۲۳).

(۴) صحیح سنن الترمذی: (۱۷۵/۲).

(۵) المستدرک: (۱۵۲/۴).

(۶) مسند أحمد: (۵۰۹/۲).

ابن ماجه<sup>(۱)</sup>، بوسیله گفته است: اسناد آن صحیح است و رجال آن ثقه می‌باشند<sup>(۲)</sup> آلبانی گفته است: صحیح است<sup>(۳)</sup>.

### \* عیادت مریض:

ثوبان<sup>رضی الله عنه</sup> گفته است که رسول الله<sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرمود: «عائد المریض فی مخرفة الجنة» (عیادت کننده‌ی مریض در حال چیدن از باغ بهشت است).

در روایتی دیگر آمده است: «من عاد مریضاً لم یزل فی خرفة الجنة حتی یرجع» (کسی که مریضی را عیادت می‌کند، دائماً در حال چیدن میوه در باغ بهشت است تا زمانی که برگردد).

در روایتی آمده است: «لم یزل فی خرفة الجنة» (دائماً در حال چیدن از باغ بهشت است، گفته شد: ای رسول الله!

---

(۱) سنن ابن ماجه: (۱۲۰۷/۲) (ح ۳۶۶۰).

(۲) مصباح الزجاجة: (۹۸/۴).

(۳) صحیح الجامع: (ح ۱۷۱۶).

باغ بهشت چیست؟ فرمود: «جناها» (محل میوه چیدن آن)  
[مسلم<sup>(۱)</sup>].

ابن اثیر در جامع الأصول گفته است: معنای آن این است  
که عیادت کننده‌ی مریض در راهی قرار دارد که او را به سوی  
بهشت سوق می‌دهد یا آن که عیادت کننده‌ی مریض در  
بستانهای بهشت و میوه‌های آن قرار دارد<sup>(۲)</sup>.

علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:  
«ما من مسلم يعود مسلماً مریضاً غدوةً إلا صلی علیه سبعون  
ألف ملک حتی یمسی، وإن عاده عشیة صلی علیه سبعون  
ألف ملک حتی یصبح، وکان له خریف فی الجنة» (مسلمانی  
نیست که صبح به عیادت مریضی رود، مگر آن که هفتاد هزار  
فرشته برای او صلوات می‌فرستند تا آن که شب کند و اگر در

---

(۱) صحیح مسلم: (۱۹۸۹/۴) (ح ۲۵۶۸).

(۲) جامع الأصول: (۵۳۳/۹).

شب از او عیادت کند، هفتاد هزار فرشته بر او صلوات می -  
فرستند تا زمانی که صبح کند و برای او میوه چیدنی در بهشت  
خواهد بود) [ترمذی<sup>(۱)</sup> و گفته است: حدیث حسن غریب  
است، ابن ماجه<sup>(۲)</sup>. أبو داود<sup>(۳)</sup> به مانند آن و در آن آمده است:  
«یستغفرون له» (برای او طب آمرزش می کنند) ابوداود گفته  
است: سند آن از علی<sup>(ع)</sup> از پیامبر<sup>(ص)</sup> با این وجه صحیح است.  
آلبانی گفته است: صحیح است<sup>(۴)</sup> و ابن حبان آن را صحیح  
دانسته است<sup>(۵)</sup>].

ابن اثیر گفته است: «الخریف»: میوه ای است که چیده  
می شود، به این معنا که چیده می شود و فعیل به معنای مفعول

---

(۱) جامع الترمذی: (۳۰۰/۳) (ح ۹۶۹).

(۲) سنن ابن ماجه: (۴۶۳/۱) (ح ۱۴۴۲).

(۳) سنن ابی داود: (۳۷۵/۳) (ح ۳۰۹۸، ۳۰۹۹، ۳۱۰۰).

(۴) صحیح جامع الترمذی: (۲۸۶/۱).

(۵) موارد الظمان: (ص ۱۸۲) (ح ۷۱۰).

است<sup>(۱)</sup>.

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من عاد مریضاً أو زار أخاً له فی الله ناداه مناد أن طبت طاب ممشاک، وتبوأت من الجنة منزلاً» (کسی که برای [کسب رضایتمندی] الله [تعالی] مریضی را عیادت کند یا به دیدار برادری رود، ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد که پاک باشی محل راه رفتنت پاک شد و در بهشت منزلی برگزیدی) [ابن ماجه<sup>(۲)</sup>، ترمذی<sup>(۳)</sup> و لفظ برای اوست و گفته است: حدیثی حسن غریب است. همچنین آلبانی آن را حسن دانسته است<sup>(۴)</sup> و ابن حبان آن را صحیح دانسته

---

(۱) جامع الأصول: (۵۳۲/۹).

(۲) سنن ابن ماجه: (۴۶۴/۱) (ح ۱۴۴۳) و لیس فیہ: «أو زار أخاً له فی الله».

(۳) جامع الترمذی: (۳۲۰/۴) (ح ۲۰۰۸).

(۴) صحیح سنن الترمذی: (۱۹۵/۲).

است<sup>(۱)</sup>].

\* دیدار برادران به نیت کسب رضایتمندی الله تعالی:  
حدیث ابوهریره رضی الله عنه که در قبل آمد، دلیلی بر آن می باشد.  
انس رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ألا أخبركم برجالكم  
فی الجنة؟» (آیا شما را از مردانی از شما که در بهشت هستند،  
با خبر کنم؟) گفتند: بله، ای رسول الله! فرمود: «النبی فی الجنة،  
والصدیق فی الجنة، والرجل یزور أخاه فی ناحية المصر لا یزوره  
إلا لله فی الجنة» (پیامبر در بهشت است و صدیق (بسیار راستگو)  
در بهشت است و مردی که به دیدار برادرش در گوشه ای از شهر  
می رود و به دیدار او نمی رود مگر برای الله، در بهشت است).  
[طبرانی در المعجم الصغیر<sup>(۲)</sup>، دمیاطی گفته است: إن شاء الله  
اسناد آن جید است<sup>(۳)</sup>، طبرانی در الکبیر<sup>(۱)</sup> با لفظی نزدیک به

---

(۱) موارد الظمان: (ص/ ۱۸۳) (ح ۷۱۲).

(۲) المعجم الصغیر: (۱/ ۴۶).

(۳) المتجر الرابع: (ص ۵۳۴).



حدیث کعب بن عجره. آلبانی آن را حسن دانسته است<sup>(۲)</sup>.  
انس رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ما من عبد أتى  
أخاه يزوره في الله إلا ناداه مناد من السماء: أن طُبت وطابت  
لك الجنة، وإلا قال الله في ملكوت عرشه: عبدى زار فى  
وعلى قراه، فلم يرض له بثواب دون الجنة» (بنده‌ای نیست که  
برای الله به دیدار برادرش رود، مگر آن که منادایی از آسمان  
ندا می‌دهد: پاک شدی و بهشت بر تو گوارا باد و غیر از این  
نیست که الله [تعالی] از ملکوت عرشش می‌فرماید: بنده‌ام به  
خاطر من به دیدار [برادرش] رفت، [در نتیجه] مهمان کردن او  
بر من است و برای او به ثوابی کمتر از بهشت راضی نمی‌شود)  
[بزار<sup>(۳)</sup>، أبو یعلی<sup>(۴)</sup> و منذری<sup>(۱)</sup> دمیاطی<sup>(۲)</sup> گفته‌اند: اسناد آن

== \_\_\_\_\_

(۱) المعجم الكبير: (۱۹/۱۴۰).

(۲) صحیح الجامع: (ح ۲۶۰۴).

(۳) كشف الأستار عن زوائد البزار: (۲/۳۸۸) (ح ۱۹۱۸).

(۴) مسند أبی یعلی: (۷/۱۶۶) (ح ۴۱۴۰).

جید است].

«القری»: با کسره‌ی قاف چیزی است که از خوردنی و نوشیدنی برای مهمان مهیا می‌شود<sup>(۳)</sup>.

\* صبر نمودن بر از دست دادن عزیزان مانند فرزندان و دیگر نزدیکان:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يقول الله تعالی: ما لعبدى المؤمن عندى جزاء إذا قبضت صفیه من أهل الدنيا، ثم احتسبه إلا الجنة» (الله تعالی می‌فرماید: برای بنده‌ی مؤمن من که جان یکی از نزدیکان او را در دنیا بگیرم و [در صبر نمودن بر آن] از من پاداش بخواهد، پاداشی نخواهد بود، مگر بهشت) [بخاری<sup>(۴)</sup>].

= \_\_\_\_\_

(۱) الترغیب والترهیب: (۳/۲۳۹).

(۲) المتجر الرابع: (ص/۵۳۴).

(۳) مجمع بحار الأنوار، مادة «قری» (۴/۲۶۶).

(۴) صحیح البخاری: (۱۱/۲۴۱) (ح/۶۴۲۴).

حافظ ابن حجر گفته است: «صفیه» به معنای عزیز است که انسان او را برگزیده است، مانند: فرزند، برادر و هر کسی که انسان او را دوست می‌دارد. منظور از: «القبض»: قبض روح است و همان مرگ می‌باشد. گفته است: منظور از «احتسبه»: صبر بر از دست دادن او به امید اجر بردن از الله [تعالی] می‌باشد<sup>(۱)</sup>.

ابن حجر گفته است: ابن بطلال به آن استدلال کرده است که کسی که یک فرزند او بمیرد، مردن سه فرزند و دو فرزند نیز شامل حال او می‌شود<sup>(۲)</sup>.

انس بن مالک رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ما من الناس مسلم يموت له ثلاثة من الولد لم يبلغوا الحنث، إلا أدخله الله الجنة بفضل رحمته إياهم» (انسان مسلمانی نیست

---

(۱) فتح الباری: (۱۱/۲۴۲).

(۲) المصدر السابق: (۱۱/۲۴۳).

که سه فرزند او قبل از سن تکلیف بمیرند، مگر آن که الله [تعالی] او را به فضیلت رحمتش بر آنها، داخل بهشت می‌کند [بخاری<sup>(۱)</sup> و نسائی<sup>(۲)</sup>].

در روایت نسائی آمده است: «من احتسب ثلاثة من صلیه دخل الجنة» (کسی که سه نفر از نسل او [بمیرند] و او برای طلب پاداش [بر آن صبر نماید] داخل بهشت می‌شود) زنی ایستاد و گفت: دو نفر چطور؟ فرمود: «أو اثنان» (یا دو نفر)، آن زن گفت: ای کاش گفته بودم یک نفر [چطور؟].

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله به زنان انصار رضی الله عنهن فرمود: «لا يموت لإحدان ثلاثة من الولد فتحتسبه إلا دخلت الجنة» (کسی از شما نیست که سه فرزند او بمیرند و او به نیت کسب پاداش [صبر نماید، اتفاقی نمی‌افتد] مگر آن که آن زن

---

(۱) صحیح البخاری: (۱۱۸/۳ - ح ۱۲۴۸) و (۲۴۴/۳ - ح ۱۳۸۱).

(۲) سنن النسائی: (۲۴/۴).

داخل بهشت می‌شود)، یکی از آن زنان گفت: دو نفر چطور ای رسول الله؟! فرمود: «أو اثین» (یا دو نفر) [مسلم<sup>(۱)</sup>].

\* سختی کشیدن و صبر نمودن برای خودداری از گناه:

ابو امامه رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يقول الله

سبحانه: ابن آدم، إن صبرت واحتسبت عند الصدمة الأولى لم

أرض لك ثوابًا دون الجنة» (الله سبحانه می‌فرماید: ای فرزند

آدم! اگر در هنگام شدت گرفتن [میل به گناه یا مصیبت] صبر

نمایی و طلب پاداش نمایی، برای تو به ثوابی پایین‌تر از

بهشت راضی نمی‌شوم) [ابن ماجه<sup>(۲)</sup>، بوصیری گفته است<sup>(۳)</sup>:

اسناد آن صحیح است و رجالش ثقه می‌باشند و آلبانی گفته

است: اسناد آن حسن است<sup>(۴)</sup>].

---

(۱) صحیح مسلم: (۲۰۲۸/۴) (۲۶۳۲).

(۲) سنن ابن ماجه: (۵۰۹/۱). (ح ۱۵۹۷).

(۳) مصباح الزجاجة: (۴۹/۲).

(۴) صحیح سنن ابن ماجه: (۲۶۶/۱).

\* صبر بر از دست دادن چشمها:

انس رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يقول الله عز وجل: إذا ابتليت عبدی بحیبیتیه فصبر عوضته منهما الجنة» (الله تعالی می فرماید: اگر بنده ام را با گرفتن دو محبوبش امتحان کنم و او صبر نماید در عوض آن دو، بهشت را به او می دهم) منظور از دو محبوب، دو چشم است [بخاری<sup>(۱)</sup>].

\* صبر بر مریضی:

عطاء گفته است که ابن عباس رضی الله عنهما به من گفت: آیا زنی از اهل بهشت را به تو نشان ندهم؟ گفتم: بله، [نشان بده!] گفت: این زن سیاه پوست نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و گفت: من صرع دارم و [در هنگام صرع] لباسهایم کنار می رود [و مردها مرا می بینند] برای من نزد الله [تعالی] دعا کن! فرمود: «إن شئت صبرت ولك الجنة، وإن شئت دعوت الله أن

---

(۱) صحیح البخاری: (۱۱۶/۱۰) (ح ۵۶۵۳).

یعافیک» (اگر می‌خواهی صبر کن و برای تو در آن صورت بهشت خواهد بود و اگر می‌خواهی برای تو نزد الله [تعالی] دعا کنم تا تو را شفا دهد) گفت: صبر می‌کنم. بعد از آن گفت: لباسهایم کنار می‌رود، پس نزد الله [تعالی] دعا کن که من برهنه نشوم. در نتیجه برای او دعا نمود. [متفق علیه<sup>(۱)</sup>].

✽ اطاعت زن از شوهرش:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ خَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَصَّنَتْ فَرْجَهَا، وَأَطَاعَتْ بَعْلَهَا، دَخَلَتْ الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ» (اگر زنی نمازهای پنجگانه را بخواند و ماه [رمضان]ش را روزه بگیرد و از شوهرش اطاعت کند، از هر دربی از درهای بهشت که خواست، داخل بهشت می‌شود) [ابن حبان در صحیحش<sup>(۲)</sup>،

---

(۱) صحیح البخاری: (۱۱۴/۱۰) (ح ۵۶۵۲)، صحیح مسلم: (۴/۱۹۹۴) (ح ۲۵۷۶).

(۲) موارد الظمان: (ص ۳۱۵) (ح ۱۲۹۶).

آلبانی آن را صحیح دانسته است<sup>(۱)</sup> حدیث شاهی از عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه نزد أحمد دارد<sup>(۲)</sup> و همچنین شاهی از انس رضی الله عنه نزد بزار<sup>(۳)</sup>.

\* درخواست نمودن کوچکترین چیزی از مردم:

ثوبان رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من تکفل لی أن لا یسأل الناس شیئاً و أتکفل له بالجنة» (کسی که برای من تضمین کند که از مردم چیزی نخواهد، من برای او بهشت را تضمین می‌کنم) ثوبان رضی الله عنه گفت: من این گونه هستم که از کسی چیزی را درخواست ننموده‌ام. [أبوداود<sup>(۴)</sup> و لفظ برای اوست، نسائی<sup>(۵)</sup>، ابن ماجه<sup>(۱)</sup>، أحمد<sup>(۲)</sup>، سند آن را نووی

---

(۱) صحیح الجامع: (ح ۶۶۰).

(۲) مسند أحمد: (۱/۱۹۱).

(۳) مختصر زوائد البزار لابن حجر: (۱/۵۸۷) (ح ۱۰۴۴).

(۴) سنن أبی داود: (۲/۲۹۵) (ح ۱۶۴۳).

(۵) سنن النسائی: (۵/۹۶).



صحیح دانسته است<sup>(۳)</sup> و همچنین منذری<sup>(۴)</sup> و آلبنانی گفته است<sup>(۵)</sup>: صحیح می باشد].

در روایت ابن ماجه و أحمد آمده است: به این شکل بود که ثوبان رضی الله عنه شلاقش می افتاد در حالی که او سواره بود، و به کسی نمی گفت که آن را به من بده، بلکه شترش [را می نشاند و] از آن پیاده می شد، [شلاق] را بر می داشت [و دوباره سوار می شد].

\* کسی که برای کسب ثواب اذان بگوید و کسی که

دوازده سال اذان بگوید:

ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

== \_\_\_\_\_

(۱) سنن ابن ماجه: (۵۸۸/۱) (ح ۱۸۳۷).

(۲) مسند أحمد: (۲۸۱/۵).

(۳) ریاض الصالحین: (ح ۵۳۹).

(۴) الترغیب والترهیب: (۸/۲).

(۵) صحیح الترغیب والترهیب: (ح ۸۰۷).

«إن الله يبعث الأيام يوم القيامة على هيئتها، ويبعث يوم الجمعة زهراء منيرة، يحفون أهلها بها كالعروس تهدي إلى كريمها، تضيء لهم يمشون في ضوئها، ألوانهم كالثلج بياضاً، وريحهم يسطع كالمسك، يخوضون في جبال الكافور، ينظر إليهم الثقلان، ما يطرقون تعجباً، حتى يدخلون الجنة، لا يخالطهم أحد إلا المؤذنون المحتسبون» (الله [متعالم] در روز قیامت، روزها را بر اساس هیئت آنها مبعوث می‌کند و روز جمعه را درخشان و نورانی مبعوث می‌نماید، اهل آن به شکلی گرداگرد آنها گرفته می‌شود که به مانند دامادی هستند که به سوی عزیز خود برده می‌شود، برای آنها روشن می‌شود و در روشنایی آن راه می‌روند، رنگهای آنها به مانند یخ سفید است و بوی آنها به مانند مشک انتشار می‌یابد در کوه‌هایی از کافور فرو می‌روند و دو گروه [انسان و جن] به آنها نگاه می‌کنند و از روی تعجب باز نمی‌ایستند، تا آن که داخل بهشت می‌شوند، کسی بین آنها نمی‌باشد، مگر مؤذنانی که در طلب پاداش [اذان

گفته‌اند]) [ابن خزیمه در صحیح<sup>(۱)</sup> و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است<sup>(۲)</sup>].

ابن عمر رضی الله عنهما گفته است که پیامبر ﷺ فرمود: «من أذن ثنتی عشرة سنة وجبت له الجنة، وكتب له بتأذینه فی کل یوم ستون حسنة، وبکل إقامة ثلاثون حسنة» (کسی که دوازده سال اذان بگوید، بهشت بر او واجب می‌شود و برای هر روز اذان گفتن شست حسنه برای او نوشته می‌شود و برای هر اقامه سی حسنه) [ابن ماجه<sup>(۳)</sup> و حاکم<sup>(۴)</sup>، و بیهقی<sup>(۵)</sup> و حاکم گفته است: صحیح به شرط بخاری است و واقفه ذهبی و

---

(۱) صحیح ابن خزیمه: (۱۱۷/۳). (ح ۱۷۳۰).

(۲) صحیح الجامع: (ح ۱۸۷۲).

(۳) سنن ابن ماجه: (۲۴۳/۱) (ح ۷۲۸).

(۴) مستدرک الحاکم: (۲۰۵/۱).

(۵) سنن البیهقی: (۴۳۳/۱).

مذری<sup>(۱)</sup> و آلبانی گفته است: صحیح می باشد<sup>(۲)</sup>.

\* کسی که مظلومانه برای مالش کشته شود:

عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «من قتل دون ماله مظلوماً فله الجنة» (کسی که مظلومانه برای مالش کشته شود، بهشت برای اوست) [نسائی<sup>(۳)</sup> و آلبانی گفته است: صحیح می باشد<sup>(۴)</sup>].

اصل حدیث در صحیحین<sup>(۵)</sup> و دیگر کتابها با این لفظ آمده است: «من قتل دون ماله فهو شهید» (کسی که برای مالش کشته شود، او شهید است).

---

(۱) الترغیب والترهیب: (۱۱۱/۱).

(۲) صحیح الجامع: (ح ۶۰۰۲).

(۳) سنن النسائی: (۱۱۵/۷) (ح ۴۰۸۷).

(۴) صحیح الجامع: (ح ۶۴۴۶).

(۵) صحیح البخاری: (۱۲۳/۵) (ح ۲۴۸۰)، و صحیح مسلم: (۱۲۴/۱)

(ح ۱۴۱).

\* زنی که در نفاسش بمیرد:

راشد بن حبیب رضی الله عنه گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لقتل فی سبیل الله عز وجل شهادة، والطاعون شهادة، والغرق شهادة، والبطن شهادة، والنفساء یجرها ولدها بسرره إلى الجنة» (کشته شدن در راه الله صلی الله علیه و آله شهادت است و [با] طاعون [مردن] شهادت است و از شکم درد [مردن] شهادت است و زنی که در نفاسش [بمیرد] فرزندش او را با نافش به بهشت می-رساند).

أبو العوام به آن افزوده است: «والحرق والسیل» (و آتش گرفتن و در سیل مردن)<sup>۱</sup> [أحمد<sup>(۲)</sup>، منذری گفته است: اسناد

---

۱ - این شامل تمامی مرگهای بد می باشد و این وقتی است که هنگامی که سختی آن مرگ به سراغ شخص می آید او صبر نموده و محبت الله تعالی از قلبش بیرون نرود و نکوید: الله تعالی به من ظلم کرده است. (مترجم)

(۲) المسند: (۴۸۹/۳).

آن حسن است<sup>(۱)</sup> و آلبانی گفته است: حسن می‌باشد<sup>(۲)</sup>.  
ابن اثیر گفته است: «السرة» آن قسمتی [از ناف است]  
که بعد از آن که ماما آن را قطع نمود، باقی بماند. «السرر»  
[نافی است] که قطع شده است<sup>(۳)</sup>.

\* مرگ شخصی در جایی به غیر از محل تولدش:

عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما گفته است: مردی در  
مدینه وفات یافت و پیامبر ﷺ بر او نماز [جنازه] خواند و  
فرمود: «یا لیته مات فی غیر مولده» (ای کاش در جایی غیر  
از محل تولدش وفات می‌یافت) مردی از مردم گفت: برای چه  
ای رسول الله؟! فرمود: «إن الرجل إذا مات بغير مولده قیس له  
من مولده إلى منقطع أثره فی الجنة» (اگر مردی در جایی غیر  
از محل تولدش بمیرد از محل تولدش تا جایی که جان داده

---

(۱) الترغیب والترهیب: (۲/۲۰۱).

(۲) صحیح الجامع: (ح ۴۴۳۹).

(۳) النهایة، مادة «سرر» (۲/۳۵۹).

است را [ملائک] در بهشت اندازه می‌زنند] [أحمد<sup>(۱)</sup>، نسائی<sup>(۲)</sup>  
و ابن ماجه<sup>(۳)</sup> و ابن حبان آن را صحیح دانسته است<sup>(۴)</sup> و  
آلبانی گفته است: حسن است<sup>(۵)</sup>].

سندی گفته است: «إلی منقطع أثره» به معنای جایی  
است که اجل او فرا رسیده باشد و منظور از «الأثر» اجل  
است؛ زیرا آن پایان عمر است و احتمال می‌رود که انتهای  
سفرش باشد و راه رفتنش در بهشت به اندازه‌ی این فاصله  
تعیین می‌شود. ظاهر آن این گونه است که در بهشت به این  
اندازه به او عطا می‌شود که از برای مردنش در غربت است<sup>(۶)</sup>.

---

(۱) المسند: (۱۷۷/۲).

(۲) سنن النسائی: (۸، ۷/۴).

(۳) سنن ابن ماجه: (۵۱۵/۱) (ح ۱۶۱۴).

(۴) الإحسان: (۲۵۷/۴) (ح ۲۹۳۲).

(۵) صحیح الجامع: (ح ۱۶۱۶).

(۶) حاشیة السندی علی النسائی: (۸/۴).

ابن حبان این حدیث را این گونه شرح داده است: یاد شده است که الله [تعالی] به کسی که در غربت وفات یافته است به اندازه‌ی محل تولدش تا محل جدا شدنش از دنیا (منقطع امره)<sup>(۱)</sup>، در بهشت عطا می‌نماید.

از سخن ابن حبان این فهمیده می‌شود که در بهشت به مساحت فاصله‌ی بین محل تولد تا محل وفاتش عطا می‌شود.

\* کسی که سه صف از مسلمانان برای او نماز جنازه

بخوانند:

مالک بن هبیره رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ما

من مسلم یموت فیصلی علیه ثلاثة صفوف من المسلمین إلا

أوجب» (مسلمانی نیست که بمیرد و مسلمانان در سه صف بر

او نماز [جنازه] بخوانند، مگر آن که [بهشت بر او] واجب می-

---

(۱) ترجم ابن حبان هذه اللفظة بدل: «أثره» لأن لفظ الحدیث عنده:

«منقطع أمره».



شود).

گفته است مالک رضی الله عنه وقتی تعداد نمازگزاران بر جنازه کم بود آنها را به خاطر این حدیث در سه صف قرار می داد. [أبو داود<sup>(۱)</sup> و لفظ برای اوست، ترمذی<sup>(۲)</sup>، ابن ماجه<sup>(۳)</sup> و أحمد<sup>(۴)</sup> و لفظ او این است: «إلا غفر له» (مگر آن که آمرزیده می شود)، حاکم<sup>(۵)</sup> و گفته است: به شرط مسلم صحیح است، و وافقه ذهبی، و ترمذی و نووی آن را حسن دانسته اند<sup>(۶)</sup>].

\* \* \*

---

(۱) سنن أبي داود: (۵۱۴/۳) (ح ۳۱۶۶).

(۲) جامع الترمذی: (۳۴۷/۳) (ح ۱۰۲۸).

(۳) سنن ابن ماجه: (۴۷۸/۱) (ح ۱۴۹۰).

(۴) المسند: (۷۹/۴).

(۵) المستدرک: (۳۶۲-۳۶۳/۱).

(۶) المجموع: (۱۶۵/۵).